

فصلنامه رهیافتهای نوین در مطالعات اسلامی

License Number: 85625

Article Cod: SH20RQ45795

ISSN-P: 2676-6442

چشم انداز آینده سیاست خارجی ترامپ در قبال نظام بین الملل و جمهوری اسلامی ایران در پرتو انتخابات ۲۰۲۴

(تاریخ ارسال مقاله ۱۴۰۳/۰۷/۲۵ تاریخ تصویب ۱۴۰۳/۰۹/۲۳)

دکتر صلاح الدین هرسی^۱

پژوهشگر ارشد مسائل بین الملل، عضو انجمن ایرانی مطالعات غرب آسیا و مدرس مدعو دانشکده حقوق و علوم سیاسی
دانشگاه مازندران و دانشگاه آزاد اسلامی واحد چالوس و نوشهر

عاطفه تخله

کارشناس ارشد حقوق خصوصی، دانشجوی دکترا دانشگاه تهران و عضو انجمن مطالعات حقوقی استان مازندران

چکیده

دونالد ترامپ پدیده در ساختار سیاسی ایالات متحده آمریکا محسوب می شود. او با پیروزی در انتخابات ۲۰۱۶ و انتخابات ۲۰۲۴ بر پیروزی بر دموکرات ها سکان هدایت بزرگترین کشور و قدرت جهان را به دست گرفت. با قدرت یابی ترامپ در سال ۲۰۱۶ سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا در قبال نظام بین الملل و جمهوری اسلامی ایران دستخوش تغییر پارادامیک شده است و چنین تغییری به واسطه پیروزی او در انتخابات ۲۰۲۴ با نشانگان جدیدی چون اتخاذ دیپلماسی حل بحران در قبال سیاست بین الملل دنبال خواهد شد. هدف و دغدغه پژوهش حاضر، چشم انداز آینده سیاست خارجی ترامپ در قبال نظام بین الملل و جمهوری اسلامی ایران در پرتو انتخابات ۲۰۲۴ می باشد. پرسش اصلی مقاله حاضر این است که: چشم انداز سیاست خارجی ترامپ در قبال نظام بین الملل و جمهوری اسلامی ایران در پرتو انتخابات ۲۰۲۴ چگونه خواهد بود؟ فرضیه مقاله معطوف به تبیین این گزاره است

که: چشم انداز سیاست خارجی ترامپ در قبال سیاست بین الملل حفظ نظام سلطه و هژمونی در راستای سنت جکسونیسم همراه با جلو‌هایی از دیپلماسی برای حل بحران‌های منطقه‌ای و اعمال کارزار فشار حداکثری با هدف مهار در قبال جمهوری اسلامی خواهد بود. در تنظیم این مقاله از چارچوب مفهومی سیاست خارجی استفاده شده است.

واژگان کلیدی: سیاست خارجی، نظام بین الملل، ترامپ، جکسونیسم، دیپلماسی، فشار حداکثری

مقدمه

ایالات متحده آمریکا را باید یکی از تاثیرگذارترین کشورها در عرصه سیاست بین الملل دانست. رویکرد‌های غالب بر سیاست بین الملل ایالات متحده آمریکا همواره تاثیرات مهمی را بر سیاست بین الملل بسیاری کشورها داشته است. با قدرت‌یابی «دونالد.جی. ترامپ» در سال ۲۰۱۶ سیاست بین الملل ایالات متحده آمریکا دستخوش تغییرات پارادامیک شده است. به این معنی که ترامپ از میان محورهای کلیدی آمریکا در سیاست بین الملل یعنی حفظ نظام سلطه و هژمونی، حمایت از تجارت آزاد و گسترش دموکراسی، تنها محور نظام سلطه و برتری قاطع نظامی را مبنا و راهنمای عمل سیاست بین الملل ایالات متحده آمریکا در سیاست بین الملل دانسته و دو محور دیگر یعنی گسترش تجارت آزاد و دموکراسی را در راستای منافع ملی آمریکا ندانسته و در پی کنار گذاشتن اصول بین الملل گرایی لیبرال در راستای سنت ویلسون بوده است. بر اساس محور نظام سلطه و برتری قاطع نظامی، ترامپ با شعار «آمریکای اول» و تعقیب راهبرد انزواگرا در صدد تامین منافع ملی از رهگذر منطق رئالیستی است. ترامپ چنین سیاستی را در فاصله ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۰ دنبال کرد. اما با پیروزی مجدد او در انتخابات ۲۰۲۴ قراین و رویکرد‌های اعلامی ترامپ بیانگر آن است که با قرار دادن سیاست بین الملل دوباره و مجدد آمریکا در محور اول تلاش دارد که جلوه‌ها و نشانگانی از دیپلماسی حل بحران را در سیاست بین الملل دنبال کند.

در کنار سیاست بین الملل آمریکای عصر ترامپ، نوع مواجهه با جمهوری اسلامی نیز با قدرت یابی ترامپ دستخوش تغییر شده است. سیاست خارجی آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران به جهت آنکه جمهوری اسلامی ایران محور انتقام مردم خاورمیانه در بیش از ۴ دهه در قبال آمریکا بوده است و همواره ایران برای براندازی متحدان آمریکا در هندسه ژئوپلیتیک غرب آسیا و محیط های منطقه ای پر آشوب تلاش می کند، مبتنی بر اعمال کارزار فشار حد اکثری بوده است. با قدرت یابی ترامپ از رهگذر انتخابات ۲۰۲۴ به نظر می رسد که سیاست خارجی ترامپ در قبال جمهوری اسلامی همچون گذشته در الگوی کارزار اعمال افشار حد کثری حول موضوعات هسته ای، موشکی و جنگ های نیابتی خواهد بود.

با توجه به آنچه گفته شد، دغدغه و هدف اصلی مقاله حاضر آن است که با بهره گیری از چارچوب مفهومی «سیاست خارجی» چشم انداز آینده سیاست خارجی ترامپ در قبال نظام بین الملل و جمهوری اسلامی ایران در پرتو انتخابات ۲۰۲۴ را شناسایی و مورد تحلیل و بررسی قرار دهد. در واقع پژوهش حاضر پاسخی به این نیاز پژوهشی است تا خواسته باشد که خلاء های پژوهشی در این زمینه را پر کند. با عنایت به موضوع، پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که: چشم انداز سیاست خارجی ترامپ در قبال نظام بین الملل و جمهوری اسلامی ایران در پرتو انتخابات ۲۰۲۴ چگونه خواهد بود؟ فرضیه ای که در پاسخ به پرسش ها مورد سنجش و آزمون قرار می گیرد، بر اساس متغیر های مستقل و وابسته تنظیم شده است. در این پژوهش و با عنایت به موضوع، قدرت یابی ترامپ در انتخابات ۲۰۲۴ متغیر مستقل و تبیین کننده و چشم انداز آینده سیاست خارجی ترامپ در قبال نظام بین الملل و جمهوری اسلامی ایران، متغیر وابسته و تبیین شونده محسوب می شوند. بر اساس متغیر های مستقل و وابسته فرضیه اصلی مقاله حاضر را می توان در قالب گزاره ی ذیل تبیین نمود و آن اینکه: چشم انداز سیاست خارجی ترامپ در قبال سیاست بین الملل حفظ نظام سلطه و هژمونی در راستای سنت جکسونیسم همراه با جلو هایی از دیپلماسی برای حل بحران های منطقه ای و اعمال

کارزار فشار حداکثری با هدف مهار در قبال جمهوری اسلامی خواهد بود. ماهیت پژوهش حاضر توصیفی - تحلیلی است. در مقاله حاضر از چارچوب مفهومی «سیاست خارجی» استفاده شده است.

(۱) روش تحقیق

لازم به ذکر است که نوع پژوهش بر اساس هدف، کاربردی، است. روش گردآوری داده ها در این تحقیق اسنادی است که از طریق مراجعه به کتابخانه و آرشیو مقالات و همچنین جستجو در شبکه های الکترونیکی و اینترنتی انجام شده است. روش تحلیل داده ها، کیفی است. ماهیت پژوهش حاضر توصیفی - تحلیلی است.

(۲) چارچوب مفهومی پژوهش

سیاست خارجی به مثابه چارچوب مفهومی در پژوهش حاضر شناسایی شده است. سیاست دولت ها اصولاً به امور داخلی و یا به امور بین المللی مربوط می شود. اصطلاح سیاست خارجی در مقابل امور داخلی به کار می رود. در خصوص سیاست خارجی به تعریف های زیادی بر می خوریم بدون این که این تعریف ها تفاوت ماهوی و مفهومی داشته باشند و تقریباً همه ی آن ها به یک مفهوم اشاره دارند. اما از میان آن ها تعریف زیر کاملتر و روشن تر به نظر می رسد: سیاست خارجی به معنی دنبال کردن هدف های کشور در محیط بین المللی و در رابطه با جامعه ها، دولت ها و کشورهای دیگر است. سیاست خارجی، راهنمای موضع گیری در جهان است و مجموعه ای از اهداف بین المللی و راه های رسیدن به آن ها را شامل می شود. سیاست خارجی کشورهای مختلف، با هم متفاوت است. سیاست خارجی یک کشور نیز در طی زمان، تغییر می کند. در تعریف دیگر، سیاست خارجی عبارت است از: خط مشی و روشی که دولت در برخورد با امور و مسایل خارج از کشور برای حفظ حاکمیت و دفاع از موجودیت و تعقیب و تحصیل منافع خود اتخاذ می کند. سیاست خارجی دولت ها تحت تاثیر متغیر های متعددی شکل می گیرد و واحد های سیاسی اهداف و منافع تعیین شده، جهت گیری ها و استراتژی های گوناگونی بر می گزینند. این متغیر ها در حالت های گوناگون به صورت متغیر های مستقل و

وابسته مورد توجه قرار می گیرند و با دگرگون شدن شرایط و مقتضیات داخلی و بین المللی ممکن است طبقه بندی جدیدی از اهداف و منافع ملی و استراتژی ها ارائه شود. (قوام، ۱۳۷۹: ۲۴۵) در بررسی جنبه های گوناگون سیاست خارجی باید چندین مدل یعنی: مدل استراتژیک (منطقی)، مدل تصمیم گیری، مدل بوروکراتیک، مدل فزاینده، مدل تطابق و سازواری، مدل فزاینده و مدل سیستمی مد نظر قرار داد. بر اساس مدل استراتژیک بازیگران سیاست خارجی می کوشند به هدف های بیشتری در جهت تامین منافع ملی دست یابند. در مدل تصمیم گیری تاکید بر جنبه انسانی یعنی روانشناختی در فرآیند سیاستگذاری خارجی است. در مدل بوروکراتیک، رفتار های بوروکراتیک در چهار چوب مسئولیت ها و اقتدار و مقررات و ضوابط اداری مورد نظر است. در مدل تطابق و سازواری، رفتار سیاست خارجی دولت ها از لحاظ کیفیت واکنش دولت ها نسبت به محدودیت ها، موانع یا فرصت هایی که محیط بین المللی برای دولت ها پدید می آورد، مورد بررسی قرار می گیرد. در مدل فزاینده تصمیم گیرندگان سیاست خارجی در پی یافتن بهترین راه منطقی برای تامین منافع و تحقق خواست ها و هدف های ملی نیستند بلکه با اتخاذ تصمیم هایی که بیشتر عوامل موثر در تصمیم گیری با آن موافقت، بسنده می کنند. در مدل سیستمی تاثیرات متقابل نهاد ها و افراد در روند تصمیم گیری های سیاست خارجی مورد مطالعه و بررسی قرار می گیرد. (قوام، ۱۳۷۹: ۲۴۷)

با توجه به چارچوب مفهومی فوق، به نظر می رسد در بررسی سیاست خارجی آمریکا در دوره ترامپ عوامل و مولفه های زیر نقش مهمی در شکل گیری و اجرا و شکست و موقعیت آن نقش داشته باشند:

- شخصیت و ویژگی های رئیس جمهور،

- افراد اصلی کابینه ترامپ،

- مناسبات کاخ سفید با کنگره و دستگاه قضایی آمریکا،

- کاخ سفید و مناسبات آن با حوزه عمومی قدرت،

- مناسبات آمریکا با قدرت‌های بزرگ جهانی،

- مناسبات آمریکا با قدرت‌های موثر منطقه‌ای،

- و در ارتباط با ایران، سیاست و راهبرد جمهوری اسلامی ایران.

این مولفه‌ها به سه دسته عوامل فردی، ساختاری و مسائل مربوط به مناسبات قدرت تقسیم می‌شوند. در عوامل فردی، ویژگی‌های فردی و شخصیتی ترامپ و کابینه دولت وی نقش اصلی را ایفا خواهند کرد. در دسته عوامل ساختاری، شکاف بین قوای سه‌گانه اجرایی، قانون‌گذاری و دستگاه قضا از یک سو و بروز تعارضات جدی بین حوزه رسمی و غیررسمی قدرت از سوی دیگر، تاثیر گذار خواهند بود. (یزدان‌فام، ۱۳۹۵: ۱۴۳)

۳) چشم‌انداز سیاست خارجی ترامپ در قبال نظام بین‌الملل در پرتو انتخابات ۲۰۲۴

چشم‌انداز سیاست خارجی ترامپ در قبال سیاست بین‌الملل حفظ نظام سلطه و هژمونی در راستای سنت جکسونیسم همراه با جلوهایی از دیپلماسی برای حل بحران می‌باشد. ترامپ با توجه به سابقه و پیشینه سیاست بین‌الملل خود چنین سیاستی را در پرتو پیروزی در انتخابات ۲۰۲۴ در حوزه‌هایی زیر در نظام بین‌الملل به کار می‌گیرد:

- حوزه خاورمیانه که شامل دو بخش منطقه غرب آسیا و شرق مدیترانه می‌شود،

- حوزه‌های پیرامونی در حیط خلوت روسیه که شامل کشور های قفقاز جنوبی، آسیای میانه و حوزه دریای سیاه می‌شود.

- حوزه آسیای خاوری یا شرق آسیا که شامل کشور های چین، کره جنوبی، کره شمالی و ژاپن می‌شود.

- حوزه حیط خلوت آمریکا که شامل کشور های آمریکا لاتین می‌باشد.

- حوزه ایندو-پاسیفیک که مهمترین کشور این حوزه هند است.

- حوزه اروپا که شامل کشور های اتحادیه اروپا و در راس همه آنها تروئیکای اروپا یعنی انگلستان، فرانسه و آلمان می باشد.

- آخرین حوزه سیاست بین الملل شامل برخورد و نوع مواجهه ترامپ با نهاد های بین المللی نئولیبرال می شود.

۱-۳) سنخ و ماهیت سیاست خارجی ترامپ در قبال خاورمیانه

سیاست خارجی ترامپ در قبال حوزه های نظام بین الملل در منطقه غرب آسیا که شامل کشور هایی چون ترکیه، عراق، عربستان سعودی و کشور های خلیج فارس و یمن است، دارای ماهیت زیر است:

- بحران سازی و ایجاد تصاعد بحران و گاه مدیریت بحران،

- نزدیکی گام به گام به محافل کلاسیک دنیای عرب و تعامل مصلحتی با آنان در چارچوب اقتصاد نظامی و سیاسی،

- عبور از راهبرد و الگوی موازنه فرا ساحلی،

- همگرایی با ترکیه به عنوان عقبه استراتژیک ناتو در منطقه غرب آسیا،

- به رسمیت شناختن اکراد منطقه به عنوان بازیگران منطقه ای تحت هدایت آمریکا بر خلاف الگوی نیرو های چکش تعادل در دهه ۷۰.

سیاست خارجی ترامپ در شرق مدیترانه که شامل کشور هایی چون: مصر، لبنان، سوریه، اردن، فلسطین اشغالی می شود، از راهبرد های زیر استفاده می کند:

- ترمیم و بازسازی یا باز احیای روابط اسرائیل با آمریکا که از زمان باراک اوباما در فاصله سال های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۶ فاصله گرفته بود،

- استحکام و قوام دادن به پروژه عادی سازی روابط محافل کلاسیک دنیای عرب با اسرائیل در قالب پروژه قرن، پیمان ابراهیم و پیمان نقب،

- تعقیب راهبرد موازنه تهدید و سیاست بندوگنینگ^۱ یا سیاست همراه سازی اسرائیل و کشور های عربی با ایالات متحده آمریکا با هدف بی اثر و خنثی سازی قدرت نظامی، نیات تهاجمی و مجاورت جغرافیایی جمهوری اسلامی ایران،

- استحکام و قوام دادن به پروژه انتقال سفارت آمریکا از تل آویو به اورشلیم،

- به رسمیت شناختن بلندی های جولان،

- ایجاد صلح و آوردن آن به منطقه بدون پس دادن اراضی یا حذف قاعده زمین در برابر صلح.

۲-۳) سنخ و ماهیت سیاست خارجی ترامپ در حیاط خلوت روسیه

ترامپ در سیاست خارجی خود در حوزه های پیرامونی در حیاط خلوت مسکو که شامل کشور های قفقاز جنوبی، آسیای میانه و دریای سیاه می شود، از راهبرد و الگو های زیر استفاده می کند:

- حمایت از ایده گسترش ناتو به شرق،

- چند جانبه گرایی تدافعی و تهاجمی علیه مجموعه هایی که چالشی برای منافع ایالات متحده آمریکا و متحدان در این حوزه محسوب می شوند.

۳-۳) سنخ و ماهیت سیاست خارجی ترامپ در حوزه ایندو-پاسیفیک

ترامپ در سیاست خارجی خود در حوزه ایندو-پاسیفیک از دیپلماسی شوک و تقاعد برای رسیدن به قدرت هژمون نو ظهور در کنار هند استفاده می کند. چراکه آمریکای عصر ترامپ منافع استراتژیکی مکملی با هند دارد. آمریکای عصر ترامپ خواهان هژمونی اقتصادی- نظامی است. در مقابل هند به دنبال گسترش روابط امنیتی با آمریکاست.

۳-۴) سنخ و ماهیت سیاست خارجی ترامپ در حوزه حیط خلوت آمریکا و کشور های آمریکای لاتین

ترامپ در سیاست خارجی خود در حوزه در حوزه حیط خلوت آمریکا و کشور های آمریکای لاتین از الگو ها و راهبرد های زیر استفاده می کند:

- اعمال بازدارندگی پیشدستانه از طریق نظامی گری علیه دولت های یاغی این منطقه مانند ونزوئلا، اکوادور و مکزیک،

- استفاده از الگوی موازنه فرا ساحلی مانند مدیریت بحران از راه دور نظیر نوع برخورد با بزرگترین اپوزیسیون های دولت نیکلاس مادورو در ونزوئلا.

۳-۵) سنخ و ماهیت سیاست خارجی ترامپ در آسیای خاوری

ترامپ در سیاست خارجی خود در حوزه آسیای خاوری که شامل چین، کره جنوبی، کره شمالی و ژاپن می شود، از الگو ها و راهبرد های زیر استفاده می کند:

- استفاده از استراتژی موازنه برای مهار چین و پایان ادن به این گمانه و منطق که دیگر چین بر مبنای دیدگاه های فرید زکریا چالش گر چین نیست. خروج از افغانستان بازتاب استراتژی موازنه محسوب می شود.

- اتحاد با کره جنوبی و ژاپن برای تحرکات ایدئولوژیک کره شمالی در شبه جزیره کره و دریای ژاپن،
- ایجاد موازنه وحشت یا موازنه ترور در قبال تهدیدات فزاینده اتمی و هسته‌ای کره شمالی،
- ایجاد تحریم علیه به منظور کاهش توان بازدارندگی کره شمالی در قالب تهدیدات هسته‌ای و موشکی.

۳-۵) سنخ و ماهیت سیاست خارجی ترامپ در قبال اروپا

- ترامپ در سیاست خارجی خود در قبال اروپا، از الگوها و راهبردهای زیر استفاده می‌کند:
- الگوی همگرایی و ائتلاف بدون دادن سواری مجانی به متحدان اروپایی،
 - تلاش برای باز تولید جامعه‌پذیری امنیت برای متحدان آتلانتیکی و فراآتلانتیکی ایالات متحده آمریکا،
 - همگرایی با اروپا برای ایجاد و اعمال تحریم علیه توان اقتصادی - امنیتی چین،
 - همگرایی با اروپا برای ایجاد و اعمال تحریم علیه توان اقتصادی - امنیتی روسیه.

۳-۶) سنخ و ماهیت سیاست خارجی ترامپ در قبال نهاد های نئولیبرال

ترامپ در سیاست خارجی خود در قبال نهاد های نئولیبرال و به واسطه تصمیمات خلق الساعه یا همان «دکترین طلاق» مخالف حضور فعال در این نهاد های نئولیبرال است. به باور ترامپ، حجم وسیعی از هزینه اغلب این نوع نهاد ها بر عده آمریکاست که ترامپ این گونه هزینه ها را در راستای شعار (آمریکا اول) و جنبش (ماگا) به زیان آمریکا می‌داند. ترامپ با حضور در کاخ سفید توانسته از برخی نهاد های خارج شود و به نظر می‌رسد که به این خروج هم از ژانویه ۲۰۲۵ ادامه دهد. نهاد های نئولیبرالی که ترامپ از آنها خارج شده است به قرار زیر هستند:

- خروج از توافقات آب هوایی پاریس،

- خروج از پیمان سه جانبه «نفتا» یا همان قرار داد تجارت آزاد آمریکای شمالی شامل مکزیک، کانادا و آمریکا،

- خروج از برجام،

- خروج از سازمان بهداشت جهانی،

- وحتى تهدید به خروج از ناتو به جهت گرفتن سواری مجانی کشورهای عضو ناتو از ایالات متحده آمریکا.

۲-۳) اتخاذ دیپلماسی حل بحران از سوی ترامپ

در کنار راهبرد هایی که ترامپ در سیاست خارجی در قبال نظام بین الملل به کار می گیرد، افزون بر همه آنها از گزینه ای چون الگوی دیپلماسی حل بحران نیز استفاده می کند. ترامپ این الگو را در راستای تفکر «انزوا گرا» یا همان «آمریکای اول» به کار می گیرد. در این زمینه ترامپ وعده داده است که او نه تنها آغاز گر جنگی نخواهد بود بلکه به جنگ های جاری در کانون های بحران نظیر جنگ روسیه و اوکراین جنگ جنبش مقاومت با اسرائیل نیز پایان خواهد داد. به واقع ترامپ خود را معمار پایان دادن به جنگ های بی پایان می داند. اتخاذ تفکر انزوا گرا ترامپ در قبال جنگ اوکراین ناشی از دلایل زیر است:

- ترامپ در چارچوب رهیافت و منطق رئالیستی امنیت اوکراین را یک موضوع اروپایی می داند و تمایلی هم به چالش های اروپایی ندارد و بنابراین ترامپ بر این باور است که اگر اروپا خواهان و نگران امنیت اوکراین است، این اروپاست که باید برای اوکراین هزینه کند نه آمریکا،

- علت دوم مربوط به باز سازی اوکراین پس از جنگ است. باز سازی اوکراین طبق تخمین ها و بر آورد ها و محاسبات بیش از ۳ تریلیون دلار نیازمند است. ترامپ اعتقاد دارد که چرا چنین پولی که باید از جیب مردم آمریکا خرج شود که مالیات می دهند؟!

- دلیل دیگر به معادلات جاری در جنگ اوکراین باز می گردد. ترامپ بر این عقیده است که هنگامیکه ناقوس جنگ در اوکراین به صدا در آمد و سربازان پوتین خود را به پا کردند و از مرز های اوکراین گذشتند، تا کنون ۱۸۴ میلیارد دلار کمک نظامی و مالی به اوکراین شده است. با این همه این روسیه است که دست بالا را در جنگ دارد و این حجم از کمک های به خاطر آن شده که اوکراین نه آنکه برنده شود، بلکه فقط برای آنکه بازنده جنگ نشود. چون جنگ روسیه با اوکراین نه لزوماً با اوکراین بلکه با ناتو و غرب است که آمریکا در راس و بطن این مجموعه یعنی ناتو و بلوک غرب قرار دارد.

- دلیل دیگر قطع حمایت مالی - نظامی آمریکای عصر ترامپ به اوکراین و پایان دادن این جنگ از سوی ترامپ ناظر بر نوعی هیئورسم (قهرمانی گرایی)، کیش شخصیت و تاریخ سازی است و ترامپ خیلی مایل است که در پایان دادن به جنگ اوکراین تاریخ ساز شود. او دو نشست سنگاپور و هانوی با رهبر کره شمالی کیم جونگ اون را دلالت بر عرضه و هنر حل مسائل پر چالش و پروبلماتیک می داند و به آن در میان روسای جمهوری آمریکا نازیده و مایه مباهات و فخر خود می داند.

- در باره جنگ پر مناقشه جنبش مقاومت و اسرائیل نیز ترامپ باور دارد که اگر او به جای بایدن در کاخ سفید بود، بنیامین نتانیاهو و راهبران راست گرا و ارتدوکس های اسرائیل نمی توانستند حرف ها و اذار ها و هشدار های ترامپ را جدی نگیرند. در حال حاضر هم همه چشم امید نتانیاهو و اعضای راستگرای کابینه او یعنی «تسالل اسموتریچ» و «ایتامار بن گویر» به حضور و مدیریت و همچنین حل بحران جنگ با ترامپ است.

۴) چشم انداز سیاست خارجی ترامپ در قبال جمهوری اسلامی ایران در پرتو انتخابات ۲۰۲۴

فهم چشم انداز سیاست خارجی ترامپ در قبال جمهوری اسلامی ایران نیازمند آشنایی با نوع نگاه راهبرد شناسان و اعضای جمهوری خواه کنگره آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران است. در نگاه راهبرد شناسان و اعضای جمهوری خواه کنگره آمریکا:

- جمهوری اسلامی ایران از گروه های افراطی و رادیکال و خشونت گرای نظیر حزب الله در لبنان، حماس و جهان اسلامی در فلسطین، انصارالله یا حوثی ها در یمن، حشد الشعبی، نجباء و کتائب در عراق، زینیون در سوریه و فاطمیون در افغانستان برای جنگ های پراکسی و نیابتی حمایت به عمل می آورد،

- به باور این راهبرد شناسان و اعضای جمهوری خواه کنگره آمریکا، جمهوری اسلامی ایران را عامل اصلی ایجاد اختلال در نظم ژئوپلیتیک و مشخصا هندسه ژئوپلیتیک غرب آسیا و شرق مدیترانه می دانند.

- به باور این راهبرد شناسان و اعضای جمهوری خواه کنگره آمریکا، جمهوری اسلامی ایران برای بر اندازی متحدان ایالات متحده آمریکا در منطقه پر آشوب و نا امن غرب آسیا و شرق مدیترانه مانند بحران، امارات، عربستان، کویت و تلاش و به چیزی جز امحای کامل اسرائیل رضایت نمی دهد،

- به باور این راهبرد شناسان و اعضای جمهوری خواه کنگره آمریکا، جمهوری اسلامی ایران تمایل و موافقتی به شکل گیری توافقنامه اعراب و اسرائیل ندارد و دائما و علی الدوام علیه منافع متحدان ایالات متحده آمریکا رفتار تزاخمی و ایدایی دارد،

- از نگاه واشنگتن، فرآیند های سیاسی- امنیتی جمهوری اسلامی ایران ماهیت سردرگم و گیج کننده داشته و در دوره های طولانی و بیش از ۴ دهه جمهوری اسلامی ایران محور انتقام مردم خاورمیانه از

ایالات متحده آمریکا بوده و جمهوری اسلامی ایران همواره تلاش کرده که هر چیزی را آمریکا در صدد انجام آن است، بلوکه کند و با چالش مواجه سازد. (متقی، ۱۳۹۸: ۳۵)

در فاصله سال های ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۰ ترامپ با چینش کابینه ای به شدت ایدئولوژیک، سیاست خارجی نا معطف خود را علیه جمهوری اسلامی بکار گرفت. (متقی، ۱۳۹۸: ۱۳۸) لیست افرادی که ترامپ در دوره اول در چینش و آرایش کابینه اول از آن بهره گرفت در جدول زیر نشان داده می شود:

نام اعضای کابینه	سمت در کابینه
مایک پنس	معاون ترامپ
رکس تیلسون و مایک پمپئو	وزاری امور خارجه
مک فلین، مک مستر و جان بولتون	مشاوران امنیت ملی
ژان کلی	وزیر امنیت داخلی
استیو بنن	مشاور ارشد ترامپ
استوموچین	وزیر خزانه داری
جیمز متیس	وزیر دفاع
نیککی هلی	سفیر ایالات متحده آمریکا در سازمان ملل
جینا هاسپل	رئیس سازمان اطلاعاتی ایالات متحده آمریکا (سیا)
برایان هوک، و الیوت آبرامز	مسادل ایران در وزارت امور خارجه

اعضای کابینه دوره اول ترامپ در فاصله سال های ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۰ از نظر فکری مربوط به گروه میانه روی حزب جمهوری خواه بودند. اما این اعضا به رغم اختلافات درونی، جنگ طلب، رادیکال و به شدت ایدئولوژیک و نگاه خصمانه ای به جمهوری اسلامی ایران داشتند. اما با پیروزی خیره کننده

ترامپ در انتخابات ۲۰۲۴ وقتی ترامپ از اعضای کابینه خود رونمایی کرد، در قیاس با کابینه اول این افراد از منظر فکر به گروه باز های حزب جمهوری خواه تعلق دارند که نگاه آنها اساسا نسبت به ایران خصمانه است. لیست افرادی که ترامپ در دوره دوم در چینش و آرایش کابینه اول از آن بهره گرفت در جدول زیر نشان داده می شود:

نام اعضای کابینه	سمت در کابینه
جی دی ونس	معاون ترامپ
مارکو روبیو	وزاری امور خارجه
ایلان ماسک و ویوک راماس وامی	وزارت فناوریانه
کریستی نوئم	وزیر امنیت داخلی
میت گیتس	وازرث دادگستری
مایک هاکی	سفیر آمریکا در اسرائیل
پیت هگست	وزیر دفاع
الی استفانیک	سفیر ایالات متحده آمریکا در سازمان ملل
جان راتکلیف	رئیس سازمان اطلاعاتی ایالات متحده آمریکا (سیا)
برایان هوک، و الیوت آبرامز	مسادل ایران در وزارت امور خارجه

اعضای این کابینه یا همان «کابینه مخوف» دارای تمایلات روان پریشی، خود شیفتگی، دارای کیش شخصیت، فاشسیت، فنانیک، هسیتریک و دارای احساسات سادیسمی غیر قابل کنترل در قبال جمهوری اسلامی هستند. این افراد بیش از آنکه شایسته منصب وزارت در کابینه ترامپ باشند، شایسته تیمارستان هستند و از دفع شر آنها فقط باید به خدا پناه برد!! به این ترتیب به خوبی پیداست که جمهوری اسلامی ایران با چه دولتی در آمریکا روبروست و وضعیت از چه قرار است! آنان وضعیت

ایران هسته ای، ایران موشکی و ایران نیرو های نیابتی را دستمایه آزار علیه جمهوری اسلامی قرار خواهند داد. همه اعضای این کابینه به ویژه مارک رویو، چین و کوبا را به همراه جمهوری اسلامی ایران، دشمنان ژئوپلیتیکی ایالات متحده آمریکا می دانند.

راهبرد اعلامی و اعمالی ترامپ با همکاری کابینه مخوف در قبال جمهوری اسلامی به قرار زیر است:

- عبور از رهیافت نئولیبرالی بایدن،

- تداوم سیاست مهار و دیپلماسی اجبار،

- اعمال تحریم های تصاعد یابنده و ایجاد محدودیت های راهبردی علیه جمهوری اسلامی ایران،

- سازماندهی تحریم های فزاینده برای مقابله با ایران هسته ای،

- سازماندهی تحریم های فزاینده برای مقابله با ایران موشکی،

- سازماندهی تحریم های فزاینده برای پایان دادن به جنگ های پراکسی و نیابتی،

- اعمال تحریم ها مرتبط با اتهام تروریسم علیه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی،

- اعمال تحریم هاسی ساختاری علیه نهاد ها و کارگزاران جمهوری اسلامی ایران،

- تعقیب پروژه ایران هراسی،

- تعقیب پروژه ایران آزاری،

- اعمال کارزار فشار حداکثری،

- اعمال تحریم های فزاینده،

- فعال کردن مکانیسم ماشه یا همان (اسنپ بک) علیه ایران با فشار بر تروئیکای اروپایی،

- خلق آشوب و افزایش نارضایتی در راستای نظریه محرومیت نسبی.

نتیجه‌گیری و ارائه راهکار ها و پیشنهادات

در پژوهش حاضر با بهره‌گیری از چارچوب مفهومی «سیاست خارجی» و با تحلیل کیفی داده‌ها و به روش توصیفی-تحلیلی و با روش گردآوری داده‌ها و اطلاعات به صورت آینده‌پژوهی، چشم‌انداز آینده سیاست خارجی ترامپ در قبال نظام بین‌الملل و جمهوری اسلامی ایران در پرتو انتخابات ۲۰۲۴ مورد بررسی قرار گرفت. در این پژوهش پاسخ به پرسش پژوهش با هدف اثبات و سنجش فرضیه به واسطه داده‌های موجود در فرضیه یعنی داده‌هایی چون: حفظ نظام سلطه و هژمونی در راستای سنت جکسونیسم همراه با جلو‌هایی از دیپلماسی برای حل بحران‌های منطقه‌ای و اعمال کارزار فشار حداکثری با هدف مهار در قبال جمهوری اسلامی مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت. به عنوان نتیجه‌گیری کلی، سیاست بین‌الملل ترامپ همچون دوره اول در راستای شعار «آمریکای اول» و حفظ برتری و هژمونی آمریکا است که بیشترین مطابقت را با سنت جکسونیسم دارد. سیاست خارجی ترامپ در قبال جمهوری اسلامی ایران نیز مبتنی بر دیپلماسی فشار و اجبار خواهد بود که در قیاس با دوره اول شرایط را برای جمهوری اسلامی ایران سخت‌تر خواهد کرد.

از آنجائیکه خطر فزاینده ترامپ در برخورد با جمهوری اسلامی ایران را باید به عنوان یک واقعیت پذیرفت، رهنمون‌های چند برای کاهش مخاطرات ترامپ پیشنهاد می‌گردد:

- تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران دستگاه دیپلماسی و سیاست خارجی باید، با هوشیاری و اتخاذ تدبیر مناسب و آینده‌نگری، مسئله جمهوری اسلامی ایران با آمریکا را فراتر از آمدن و رفتن شخصیتی چون ترامپ بدانند و معضل ترامپ را به مسئله قابل حل تبدیل کنند.

- با آمادگی باید به سمت میز مفاهمه و مذاکره رفت، در غیر این صورت ترامپ به سیاق خود و با مشت آهنین به سراغ جمهوری اسلامی برای گرفتن امتیارات بیشتر خواهد آمد.
- زمینه های ذهنی و ادراکی برای رفتن به میز مذاکره فراهم شود،
- از گفتگو کنندگان حاذق و آشنا به امور دیپلماتیک به ویژه آشنا به مسائل آمریکا برای انجام مذاکره در مسر گفتگو ها، استفاده شود،
- برای رفتن به میز مذاکره از نقش واسطه ای استفاده نشود و به طریق اولی به صورت مستقیم با آمریکای عصر ترامپ برای مطلوبیت های راهبردی استفاده کرد.

منابع و مأخذ

- ۱) قوام، سید عبدالعلی (۱۳۷۹) نظریه های روابط بین الملل، تهران: انتشارات سمت
- ۲) متقی، ابراهیم (۱۳۹۸) ایران و آمریکا، کتاب نامه دفاع، تهران: مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی.
- ۳) متقی، ابراهیم (۱۳۹۸) ترامپ، جمهوری اسلامی ایران و سیاست بین الملل، تهران: انتشارات دانشگاه دفاع ملی.
- ۴) یزدان فام، محمود (۱۳۹۵) سیاست خارجی ترامپ و جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال نوزدهم، شماره چهارم.